

الباب الخامس و العشر من الواحد السابع في وجوب السجدة...

حضرت باب

اصلي فارسي



الباب الخامس و العشر من الواحد السابع في وجوب السجدة عند باب مدينة يطلعن فيها نقطة الالهية اعظاما من الله له انه هو العزيز المحبوب.

ملخص این باب آنکه از آنجائیکه کل نفوس از ظل آیات الوهیت و ربوبیت خالق شده همیشه در علو و سمو سائرند و چونکه چشم حقیقت بینی ندارند که محبوب خود را بشناسند محتجب میمانند از خضوع از برای آن و حال آنکه از اول عمر تا آخر عمر باو امر قبل او در دین خود ساجد بوده خدا را و عابد بوده او را و خاضع بوده از برای آن حقیقت و خاشع بوده از برای آن کینونیت ولی در حین ظهور آن که میشود کل نظر بخود میکنند و از او محتجب میمانند زیرا که او را هیكلی مثل خود می بینند و حال آنکه سبحان الله عن الاقتران مثل آن هیكل مثل شمس سماء است و آیات آن ضیاء او است و مثل کل مؤمنین اگر مؤمن باشند مثل مرآتی است که در آن شمس نمایان شود و ضیاء آن بقدر همان است این است که امر شده مدینه که آن از آن طالع گردد کل ساجد شوند نزد باب آن و همچنین ارضی که محل ظهور آن گردد مثل آنکه محل طلوع مدینه فاء میگردد و محل ظهور حصن معروف واجب است بر کل نفوس که در نزد دخول در آن مدینه و در آن ارض ساجد گردند

و حین ظهور امر قبل منقطع میگردد و باذن ظاهر در آن ظهور آنروز حکم میشود اگر چه هیچ شیء نیست مگر آنکه ما له و علیه او از شجره حقیقت است ولی نزد هر ظهوری طاعت او در ظهور قبل او ظاهر میشود نه حین ظهور مثلاً یوم ظهور "من یظهره الله" خضوع خالق آنرا در نقطه بیان ظاهر میشود چه مبدأ ظهور مقام نطقه



ORIGINAL



AUDIO

ظهور است اگر چه نطفه ظهور بعد اقوی است از بلوغ ظهور قبل ولی چون کل نتوانند احصا نمود این است که این نوع بیان میشود

والا نظر که کنی هیچ نفسی نیست که بسببلی اطاعت نکند خالق خود را و همان خضوع او است از برای شجره حقیقت اگر چه محتجب مانده و طاعت او عین عصیان میگردد در ظهور بعد مثل آنچه که در انجیل عامل بودند خاضع بودند بقول عیسی - علیه السلام - از برای رسول الله - صلی الله علیه و اله - در ظهور قبل او که آن ظهور قبل نزد ظهور بعد مقبول نمیشود و همچنین آنچه امروز در قرآن عمل میکنند از برای خدا خاضع و خاشعند از برای نقطه بیان بآنچه میکنند ولی چون نمی شناسند شمس حقیقت را از این است که از ایمان باون محتجب مانده

نه آن است که او خواهد که کل مؤمن باو شوند ولی نجات کل در ایمان باو است و او بنفسه غنی است از ایمان بما سوای خود مثل آنکه اگر کل بر رسول الله مؤمن می شدند خود ایشان نجات می یافتند و الا آن شجره بنفسه همیشه در جنت بوده و هست

ای اهل بیان اگر ایمان آورید "بمن یظهره الله" خود مؤمن میگردید و الا او غنی بوده از کل و هست مثلا اگر در مقابل شمس الی ما لا نهایه مرآت واقع شود تعکس بر میدارد و حکایت میکند از او و حال آنکه اون بنفسه غنی است از وجود مرایا و شمسی که در آنها منطبع است این است حد امکان نزد ظهور ازل

قدری مراقب خود بوده که کینونیات و ذاتیات و نفسانیات خود را در حب واحد مرآت نموده لعل در یوم ظهور حقیقت بواحد اول منطبع گردید و حجاب واقع نشود واحد ثانی یا الی ما لا نهایه که این است فضل عظیم و فوز کبیر اگر قدر دانی و الا ثمرات وجود خود را باطل نموده اید بایدی خود

امروز سالی هفتاد هزار نفس زیارت بیت الله میروند که بامر رسول الله شده ولی امر آن که خود حضرت بوده تا هفت سال در جبل مکه بود و حال آنکه امر اقوی از نفس امر است این است که اینهمه خلق که الآن میروند از روی بصیرت نیستند که اگر می بودند در ظهور رجوع او که اقوی از ظهور قبل او است موفق میشدند بامر او و حال آنکه می بینی که چگونه واقع شده که بامر قبل او مدین بدین هستند و شب و روز سجده میکنند خدا را باو و حال در جبل محل سکون آن شده و حال آنکه افتخار کل بایمان باو است چنانچه می بینی که امروز کل مفتخرند بایمان باو در ظهور قبل او و در ظهور بعد او که ایمان قبل لدون الله بر آن حکم میشود باو محتجب مانده چنانچه ایمان مؤمنین بانجیل حین ظهور رسول الله دون ایمان حکم شد و همچنین نزد هر ظهوری مشاهده کن ظهور قبل را

و بدانکه در نزد هر ظهوری سنن ظهورات قبل او بما لا نهایه قبله از آن ظاهر میگردد حتی آنکه آن زمانیکه آن ظهور بخیاطی در آن ظهور ظاهر بوده در این ظهور جوهر میگردد اگر چه بیک مرتبه باشد و همچنین کل مواقع را مشاهده کن و محتجب ممان تا آنکه فائز گردی بثمره وجود خود و لم یزل باقی باشی در جنت جود او هذا من فضل الله علیکم لعلکم بین یدی الله تسجدون

نه اینکه مثل امروز دو فرسخی بنجف سجده کنید یا در بحر که بفراسخ متعدده ممکن است احتراماً لقبه المطهره و حال آنکه امر نبود در دین اسلام ولی حین ظهور کسی یک دفعه از برای او سجده نکند در بین یدی او و اگر از این گذشته و بر او هم ظلمی وارد نیاید راضی میگردد

این است که در یوم ظهور کل ممتحن میشوند و اگر تعقل کنند و بعرفان نفس خود ظهور الله را تصدیق کنند کل نجات می یابند ولی چون نمیکنند حجت بر ایشان بالغ میگردد و خود در احتجاب میمانند و الله یهدی من یشاء الی صراط حق یقین.

